

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شاد باش رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران به کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان

رفقای عزیز!

اجازه دهید درود های پرشور و برادرانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و تمام اعضا حزب را بشما نمایندگان کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان و توسط شما بتمام کمیونتها و تمام زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان تقدیم دارم.

ما با احساس رضایت خاطر عمیق سخن رانی پر مضمون رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و سخنرانی نمایندگان دیگر کنگره را استماع کردیم. گزارش رفیق هونکر با روشنایی تمام نشان میدهد که در زمینه اجراء تصمیمات کنگره هشتم چه موفقیتهای عظیمی نصیب مردم و دولت جمهوری دموکراتیک آلمان گردیده است و چه نورنمای درخشانی بر پایه کاربست خلاق تئوری مارکسیستی - لنینیستی

در مرحله جدید تکمیل سیستم اجتماعی گسترش یافته سوسیالیسم در انتظار آنهاست. تردیدی نیست که کار این کنگره و برنامه پنجساله جدید و تصمیمات این کنگره گام بزرگ دیگری در راه پیشرفت هر چه سریعتر حیات اقتصادی و اجتماعی جامعه و ترفیع بیش از پیش سطح زندگی زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان خواهد بود.

دنباله در صفحه ۷

درود به کارگران مبارز ایران!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در باره شهادت کارگران کارخانه جهان کرج

ادته ای که در دهه اول اردیبهشت ماه در کارخانه های روغن و بنام جهان اتفاق افتاد و منجر به مرگ دهها نفر و مجروح شدن عده بیشتری کارگر گردید. بار دیگر رفتار غیر انسانی و نفرت انگیز دولت را نسبت بزحمتکشان ایران نشان داد. ژاندارم ها هزاران کارگر را که برای رساندن مزد خود بحد اقل قانونی ناچار بااعتصاب شده بودند، بگلوله بستند و خون دهها نفر از زحمتکشان بیگناه را ریختند و صدها نفر زن و کودک را بخاطر آزمندی کارفرما بی سرپرست کردند.

حکومت ایران از طرفی مدعی است که مدافع حقوق کارگران میباشد و برای اثبات این ادعا کنگره کارگری تشکیل

میدهد، روز اول ماه مه را روز کارگر اعلام میکند، سندیکا میسازد و دم از قانون کار و بیمه های اجتماعی میزند ولی از طرف دیگر قدرت مسلح خود را بسود استعمارگران در عمل بکار میاندازد تا اعتصاب کارگران را که طبق قانون کار موجود حق قانونی آنهاست بظاک و خون بکشد و سلطه سود جویانه سرمایه داران را تحکیم کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران نسبت باینگونه جنایات که هدف آن سرکوب جنبش مطالباتی طبقه کارگر و تأمین منافع سرمایه داران است شدیداً اعتراض میکند و رویه دولت را در باز گذاردن دست مأموران خود برای ارتکاب اینگونه اعمال غیر انسانی، با تمام نیرو محکوم مینماید و از همه مردم دنباله در صفحه ۶

در باره پیمان دوستی و همکاری

بین شوروی و جمهوری متحده عرب

در تاریخ ۲۷ ماه مه ۱۹۷۱ میان اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری متحده عرب یک پیمان دوستی و همکاری منعقد گردید. پیمان را از طرف اتحاد شوروی نیکلای یادگورنی و از طرف مصر انور السادات امضاء کرد.

انور السادات در مهمانی که باقتضای یادگورنی ترتیب داد طی نطقی به واکنش کشور های غربی در قبال توسعه مناسبات مصر و شوروی اشاره کرده چنین گفت: «امپریالیستها و همدستان آنها قادر نیستند سرشت مناسبات شوروی و اعراب، عمق مناسبات و هدفهای شریف آنرا درک کنند... آنها نمیفهمند که از لحاظ تاریخی نبل خلقها به آزادی و استقلال اجتناب ناپذیر است و برای انجام تحولات عظیم در ساختمان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه راه رشد سوسیالیستی ضرورت حتمی دارد.» وی سپس موضع مصر را که طرفدار حل سیاسی اختلافات خاور میانه است یادآوری کرد و گفت: «جهانیان می بینند که یگانه پشتیبان تجاوز، دنباله در صفحه ۵

قطعه نامه هیئت اجراییه در باره

گزارش هیئت نمایندگی حزب توده ایران در بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

هیئت اجراییه در اجلاس ماه مه ۱۹۷۱ خود گزارش رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران را که از جانب هیئت نمایندگی حزب ما در بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی داده شد، استماع نمود و فعالیت هیئت نمایندگی ما را مورد تأیید قرار داد.

هیئت اجراییه تصریح میکند که بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی که فعالیت آن پیوسته در مرکز توجه جهانیان قرار داشته، یک واقعه بزرگ نه تنها در حیات مردم شوروی بلکه در تاریخ معاصر است. این کنگره به مجمع بزرگ سه نیروی عمده انقلابی عصر ما یعنی کشور های سوسیالیستی، جنبش انقلابی کشورهای سرمایه داری و جنبش رهائی بخش ملی بدل گردید.

دنباله در صفحه ۷

شاد باش هیئت نمایندگی حزب توده ایران به کنگره چهاردهم حزب کمونیست چکوسلواکی

در شاد باش هیئت نمایندگی حزب توده ایران به کنگره چهاردهم حزب کمونیست چکوسلواکی چنین گفته شده است:

رفقای عزیز!
اجازه بدهید شاد باش های کمیته مرکزی

بنا بدعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی هیئت نمایندگی ما بریاست رفیق عبدالصمد کامبخش دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره چهاردهم حزب کمونیست چکوسلواکی که از ۲۵ تا ۲۹ ماه مه در پراگ بر پا بود، شرکت کرد.

اهمیت حیاتی کار توده ای در شرایط کنونی

اهمیت کار توده ای

تجربه خود، نمیتواند از مبارزات خود بخودی به پیروزی دست یابند همانطور هم یک سازمان سیاسی طراز نوین که در راه عالترین هدف های توده ها نبرد میکند بدون شرکت مستقیم توده ها قادر بانجام کاری نیست. بریدن از توده های مردم، یعنی تبدیل شدن بگروهی محدود و منفرد که افراد آن هر قدر هم دلیر، بی باک و با ایمان باشند سرانجامی جز نابودی و محو شدن از صحنه اجتماع نخواهند داشت.

کار در بین توده ها و سازمانهای توده ای برای وصول به هدفهای تاکتیکی و سرانجام استراتژیکی، برای مبارزه علیه نفوذ استعمار و برای آزادهای دموکراتیک، برای مبارزه در راه بهبود زندگی توده ها نقش اساسی دارد. بدون تجهیز توده ها، روشن کردن آنها و کشاندن آنها بمبارزه در درجات مختلف و باشکال گوناگون نمیتوان به هدفهای اجتماعی رسید. همانطور که توده ها، بدون رهبری شایسته از طرف سازمان سیاسی آبدیده و با

دنباله در صفحه ۲

احیاء قانون ملی شدن صنایع نفت

همچنان شعار مبارزه مردم ایران بر ضد امپریالیسم است

گامی بعقب

قانون ملی شدن صنایع نفت ایران و خلع ید از شرکت سابق فقط ضربتی به نفت خواران انگلیسی نبود. این ضربتی بود که پایه های امپریالیسم را در ایران - و نه فقط در ایران - بلکه در تمام کشورهای نفتخیز خاور میانه بلرزه در آورد. از اینجهت امپریالیسم بین المللی بسر کردگی امپریالیسم امریکا برای خشتی کردن پیروزی مردم ایران و استقرار مجدد سلطه انحصارگرایان نفتی بر منابع نفت ایران بیدان آمد و متأسفانه توانست بکمک ارتجاع ایران کودتای ۲۸

۲۹ خرداد ماه بیست سال از تاریخ خلع ید از شرکت سابق نفت ایران وانگلیس گذشت. خلع ید از شرکت سابق اجرای عملی قانون ملی شدن صنایع نفت ایران و مظهر پیروزی بزرگ مردم ایران بر امپریالیسم انگلستان بود. با خلع ید از شرکت سابق مبارزه پنجدهساله مردم ایران برای قطع تسلط امپریالیستهای انگلیسی بر بزرگترین ثروت ملی ایران بشمار رسید. مردم ایران در این روز بحق شادیا کردند و جشنها گرفتند، زیرا برای نخستین بار بود که احساس میکردند که واقعاً حاکم بر سرنوشت خویش اند و امکان آنرا یافته اند که به استقلال و حاکمیت ملی خود مفهوم واقعی و جدی بدهند.

دنباله در صفحه ۳

اهمیت حیاتی کار توده ای در شرایط کنونی

تجربه سی سال اخیر مبارزات سیاسی و اجتماعی در کشور ما این حقایق را به ثبوت میرساند. با کمال تأسف باید گفت که در چند سال اخیر تحت تأثیر عوامل گوناگون بخصوص جریانات چپ روانه و سکتاریستی عده قابل ملاحظه ای از مبارزان جوان میهن ما بدون توجه به شرایط کشور و بدون استفاده از تجربیات گذشته بجای کار در بین توده ها، تجهیز آنها و اتکاء به نیروی آنها، نیروی مبارزه را در چند قبضه تفنگ و مسلسل و بمب دیده اند و با همه دلوریها که کرده اند در مقابل دشمنی که از هر جهت برتری داشته یا در زد و خورد از پای در آمده اند و یا پس از مدت کوتاهی اختفا بچنگ مأموران خونخوار دولتی افتاده اند. این خود تجربه ایست، تجربه ای بسیار تلخ و دردناک.

توده ها را باید شناخت

کار در میان توده ها، سازمان دادن آنها و مبارزات آنها و استفاده از سازمانهای توده ای بخصوص در شرایط سخت ترور و اختناق، فنی است که باید آنرا آموخت و با صبر و حوصله و فداکاری بکار بست. قبل از هر چیز توده ها را باید شناخت. بدون شناسائی قشرهای گوناگون مردم، خصوصاً صیبات روانی آنها، زبان آنها، دردهای آنها، آداب و اخلاق و رسوم آنها نمیتوان در بین آنها راه و نفوذ یافت و کار توده ای انجام داد. برای این شناسائی باید بمیان آنها رفت، با آنها تماس مستمر داشت و در کنارشان کار کرد.

منظور از توده ها تمام آن کسانی هستند که بحسب استعمار میشوند، مورد ستم طبقات حاکمه و دستگاههای دولتی آنها قرار میگیرند و حقوقشان پایمال میشود. قلمرو توده ها از مرز حزب آغاز میشود و تا دورترین و نا آگاهترین افراد جامعه را در بر میگیرد. بنا بر این میدان وسیعی برای کار در بین توده ها وجود دارد. بدیهی است که در درجه اول مراکز تجمع توده ها باید مورد نظر قرار گیرد مانند کارخانه ها، سندیکاها، اتحادیه های صنفی، انجمنها و کلوبهای ورزشی و فرهنگی، خانه های فرهنگی و شورای دهستانها، آموزشگاهها و نظائر آنها. در این مراکز است که میتوان با قشرهای بالنسبه وسیعی از توده ها تماس گرفت و از خواسته های مبرمی که دارند آگاه شد. به تماسهای فردی نیز نباید کم اهمیت داد. برای یک فرد انقلابی هر گونه تماسی با مردم ولو انفرادی امکانی برای تجهیز فراهم میکند که باید از آن استفاده کرد. در دوران مخفی و در شرایط تسلط سازمانهای «امنیتی» که هدفشان بریدن حزب از توده هاست تماس و کار در میان توده ها از سوئی بسیار دشوار و محدود ولی از سوی دیگر تبدیل بامری حیاتی برای حزب میشود. محدود شدن تماس با مردم عدم امکان تشکیل

سیاسی و صنفی را منحل و ممنوع کرده برای پوشاندن چهره دیکتاتوری خود بنوعی از سازمانها که تحت کنترل او هستند تن در داده است. مثلاً قانون کار تشکیل سندیکا های کارگری را امری قانونی تلقی کرده و یا انجمنها و کلوبهای ورزشی و ادبی و هنری و خانه های فرهنگ و شورای ده و نظائر آنها تحت مراقبت ساواک وجود دارند و در مواردی خود حکومت دست با ایجاد سازمانهای سیاسی و صنفی زده است. این سازمانها که باید بر رژیم ایران صورت ظاهر دموکراتیک بدهند و خالی از محتوی واقعی باشند در عین حال میتوانند وسیله ای برای فعالیت توده ای و مبارزه اجتماعی قرار گیرند. نباید باین دلیل که آنها ارتجاعی و تحت نظر ساواک هستند از فعالیت در آنها خود داری کرد بخصوص در آن سازمانهای صنفی که بنام طبقه کارگر و زحمتکشان بوجود آمده باید کار کرد و با استفاده از شکل علنی آنها سعی کرد که گام بگام از محتوی ارتجاعی و ظاهری آنها کاست و خصالت آنها را تغییر داد. بعضی از جنبشهای اعتصابی در سالهای اخیر با استفاده از همین سندیکا های موجود به پیروزی نسبی رسیده اند. بهر حال از این امکانات علنی باید حداعلا استفاده را بعنوان ابزار کار نمود. در حال حاضر که عده ای از افراد حزب ارتباط خود را با رهبری نمیتوانند برقرار سازند وظیفه دارند بابتکار خود باین کار دست بزنند و با هشباری، خونسردی، بدون شتاب زدگی و حداعلا احتیاط در حفظ خود و با نرمش کافی در این سازمانها کار کنند و توده ها را برای طرح مطالبات خود و مبارزه در راه وصول بآنها در چارچوب همین سازمانها آماده نمایند.

در شرایط هجوم ساواک و درهم ریختن سازمانهای حزب وظیفه افراد حزبی ولو اینکه هیچگونه رابطه ای با حزب ندارند، اینست که بفعالیت خود در بین توده ها و یا شرکت در یکی از سازمانهای علنی که با موقعیت اجتماعی آنها متناسب است ادامه دهند در ضمن کوشش نمایند که حزب را بهر وسیله که باشد از وضع کار خود آگاه کنند. ارسال اطلاعات از وضع سازمانهای توده ای موجود و یا از وضع توده ای که در بین آن هستند نیز برای حزب بسیار مفید و ضرور است. رفقا باید بدانند که زندگی حزب بسته بارتباط آن با توده هاست و از بین توده ها است که در طی مدتی طولانی میتوان افراد شایسته ای را برای تقویت حزب و پر کردن صفوف آن بمبارزه سیاسی جلب کرد.

توده ها را باید سازمان داد

اگر در شرایط فعلی کار در سازمان های علنی دولتی و یا سازمانهای تحت نظر ساواک را لازم میشمریم این بدان معنا نیست که ما از سازمان دادن توده ها چشم پوشیده ایم. باید سعی کرد که قشر های مختلف مردم را در هر جا و بهر عنوان که ممکن است متشکل کرد. اما مفهوم سازمان دادن توده ها با مفهوم سازمان در حزب بسیار متفاوت است. اگر یک فرد حزبی بتواند در محل کار خود چه از لحاظ کار و چه از جهت

دیگر بین همکارانش نفوذ و شخصیت پیدا کند، مورد اعتماد آنان قرار گیرد، ببرد های آنها برسد و راه حل های درستی برای حل مشکلات گوناگون آنها پیدا کند، میتواند آنها را بدور خواسته های مشترکشان جمع کند و راه وصول بان خواسته ها را پیش پایشان بگذارد و آنها را با اقدام ولو بساده ترین شکل آن مثلاً نوشتن نامه جمعی بمقامات مربوطه و یا نظائر آن بکشاند، در اینصورت بنوعی سازمان دهی توفیق یافته است. در سازمان دادن توده ها باید از هر نوع چپ روی، شتاب زدگی و خود نمائی پرهیز کرد. باید کوشش کرد تا توده ها برای طرح خواسته هایشان که در کشور بی قانون ما قانونی است مثلاً اجرای درست قانون کار، بیمه های اجتماعی و تشکیل سندیکا های صنفی مستقل (دور از سیاستهای باصلاح حزبی) باشگاه های مستقل ورزشی، فرهنگی، کلاسهای مبارزه با بیسوادی و یا تحت عنوان مردم پسند دیگر بتجوی متشکل شوند.

در دام تریک نباید افتاد

هر جا توده ای از مردم هست و پلیس هم هستند تا از هر گونه جنبش جلو گیری کنند و آنرا در نقطه خفه نمایند. کوشش آنها این است که افراد «ناراحت» را بشناسند و تحت نظر قرار دهند و در موقع لازم آنها را بیرون بکشند و بزندان ببرند. پلیس افرادی از خود را در بین توده ها جا میزند تا از یکطرف جاسوسی کنند و از طرف دیگر با دادن شعارهای چپ روانه و حتی با دست زدن بکارهای ماجراجویانه هنگامیکه یک کار دستجمعی آغاز میشود، بهانه ای برای دخالت مستقیم او بتراشند. باید از افتادن در دام اینگونه تریکات پلیس اجتناب کرد. مأموران مخفی را شناخت و آنها را شناساند تا خنثی شوند.

در شرایط کار مخفی خود توده ها پوشش خوبی برای فعالان هستند بشرط آنکه آنها از همه گونه خود نمائی پرهیز کنند. اگر فعالیت در بین توده ها توأم با سرم و احتیاط و شعارهای انتخاب شده عاری از تند روی باشد برای ساواک و مأموران دولتی شناختن افراد حزبی غیر ممکن خواهد شد. در هر جنبشی، مثلاً یک جنبش اعتصابی پلیس بدنال (محرکین) میگردد باید کاری کرد که نظر او متوجه عناصر رهبری کننده نشود و اگر کسانی را برای «تحقیق» جلب کرد افرادی باشند که اطلاعاتشان از حدود عادی در باره علل موجه اعتصاب تجاوز نمیکند. پلیس برای توجیه اعمال وحشانه خود کوشش میکند که مردم را قانع نماید و توده ها را گناهکار جلوه دهد. باید این کوشش را با عمل توضیحی بی اثر نمود.

در پایان این مقال تکرار میکنیم که افراد حزب هر جا که هستند، چه در ارتباط با حزب و چه مستقلاً وظیفه حزبی دارند که در بین توده ها، چه متمرکز باشند و چه نامتمرکز، کار کنند. این کاری است که در شرایط فعلی بسیار دشوار است ولی زندگی حزب و آینده آن باین کار بسته گی تام دارد. ۱. گویا

استفاده از سازمانهای علنی

حکومت ایران که کلیه سازمانهای

دولت ایران حق دارد و باید

برای برچیدن پایگاههای نظامی انگلیس

از خلیج فارس اقدام کند .

در اوایل ماه مه سال جاری دولت ایران یادداشت اعتراضی با انگلستان در مورد پرواز تهدید آمیز هواپیماهای انگلیسی بر فراز جزائر و نیروی دریایی ایران داد . محافل رسمی دولت انگلیس جواب درستی به سئوالاتی که در اینباره میشد ندادند . سخن گوی دولت انگلیس در جواب خبرنگاران گفت که هنوز اطلاعات دقیقی بدست نیاورده ولی میتواند بگوید که خلبانان انگلیسی بهر صورت نیت و قصد تهدید نداشته اند . روزنامه های انگلیسی از قول مقامات دولتی نوشته اند که مرزهای فضائی خلیج فارس چندان روشن نیست و گویا از اینجاست که ممکن است سوء تفاهم پیش آمده باشد . یک سخن گوی رسمی انگلستان گفته است که هواپیماهای نیروی هوایی سلطنتی انگلیس بطور مداوم از پایگاه بحرین برمیگزینند و بر فراز بحرین گشت میزنند . بقول این سخنگوی دولت انگلیس هدف از این پروازهای اکتشافی نظارت بر عبور و مرور کشتیهای بازرگانی اتحاد شوروی و کنترل مهاجرت های غیر قانونی است .

خبرگزاری « آسوشیتد پرس » از لندن خبر داده است که اعتراض ایران باعث تعجب فراوان محافل لندن شد زیرا مقامات عالیتره دولت فقط چند روز پیش از این در اجلاس ستو در آنکارا دور هم گرد آمده بودند و بعنوان دو دولت متحد با هم مذاکره میکردند .

در برخی از محافل تهران نیز نسبت به هدفهای واقعی ایران علیه پرواز هواپیماهای انگلیسی تردیدهائی وجود دارد . این یادداشت وقت داده شد که ویلیام لوس نماینده مخصوص وزیر خارجه انگلیس تهران را ترک کرد تا در شیخ نشینهای خلیج فارس برای ادامه حضور نظامی-سیاسی انگلیس مذاکراتی انجام دهد . آنچه بالاتر دید روشن است اینست که هواپیماهای نظامی انگلیسی منظمآ از پایگاه های بحرین برمیگزینند و عملیات اکتشافی انجام داده و منطقه خلیج را تحت نظارت خود می گیرند و این امر که سالهاست ادامه دارد با حق حاکمیت ملل آشکارا در تناقض است .

دولت ایران نه تنها حق دارد که نسبت به پرواز آنها بر فراز جزائر ایران و کشتیهای ایرانی اعتراض کند بلکه کاملاً ذیحق است که نسبت به چنین باصطلاح « نظارتی » اعتراض نماید زیرا چه کسی به نیروهای انگلیسی حق داده است که بر خلیج فارس نظارت کنند ؟ وقتی موضوع تخلیه خلیج فارس از نیروهای انگلیسی پیش آمد محافل ملی و دمو-کراتیک ایران و از جمله حزب ما روی این مطلب اصرار کردند و هنوز هم اصرار میکنند که انگلستان باید همه پایگاههای نظامی خود را در خلیج فارس و مناطق مشرف بآن تخلیه کند . ما گفتیم و تکرار

میکنیم که تا وقتی که این پایگاهها وجود داشته باشند خطر نقض مرزها و حاکمیت ملی ایران از جانب امپریالیستهای انگلیسی همیشه وجود خواهد داشت . مردم ایران در گذشته بارها مورد حمله و تهدید نیروهای استعماری انگلیس قرار گرفته اند و بحق نسبت به فعالیت های سیاسی و نظامی انگلیس در خلیج فارس نگرانند . اگر نیروهای نظامی انگلیس امروز که دولت ایران متحد نظامی و سیاسی آنهاست و در جریان هیاهوی اعتراض به پرواز هواپیماهای انگلیسی بار دیگر دست بخزیده ۵۰ میلیون لیره اسلحه از انگلستان میزند بقول مقامات رسمی ایران پروازهای تهدیدآمیزی بر فراز آسمان ایران بعمل میآورند میتوان تصور کرد که فردا وقتی که مردم ایران برای دفاع از منافع ملی خود دست با اقدامات جدی بزنند با چه تهدید هائی روبرو خواهند بود . ما در همین گذشته نزدیک وقتی که نفت خود را ملی کردیم قیافه واقعی استعمار انگلیس را یکبار دیگر دیدیم و با مورد استعمال قوای نظامی انگلیس مقیم خلیج فارس آشنا شدیم . در آنروزها اشغال مناطق جنوبی و نفتخیز ایران بعنوان یک امر ضروری در دستور کار استعمارگران انگلیسی قرار داشت تا جائی که مسئله بارها در پارلمان انگلیس بطور علنی مورد بحث واقع شد .

امروز خیال امپریالیستهای انگلیس در آنچه مربوط بمنافع نفتی آنهاست کاملاً راحت است ، با اینحال تنها یک بحث بر سر جزائر ابوموسی ، تنب بزرگ و تنب کوچک که موافق همه نقشه ها متعلق بایرانت استعمارگران را به نگارنده انداخته است . چنانکه گفتیم این جزائر همیشه بایران تعلق داشته و در نقشه های جغرافیائی که در کشورهای مختلف از خلیج فارس چاپ شده نیز این جزائر مال ایران بحساب آمده است از جمله در نقشه های جغرافیائی چاپ اتحاد شوروی همیشه در زیر جزیره ابوموسی که کمی دور از ساحل ایران است با صراحت کلمه ایران قید میشود تا تردیدی ایجاد نشود . و جزائر تنب بزرگ و کوچک بطور طبیعی جزو سواحل ایران است . اگر طرف ایران امپریالیسم انگلیس نبود اصولاً بحثی پیش نیامد ، اما امپریالیسم انگلیس همواره میکوشد که مسائل مورد اختلافی از خود با رت کند .

مردم ایران کاملاً حق داشتند و امروز کاملاً حق دارند که خواستار تخلیه کامل و واقعی خلیج فارس از نیروهای انگلستان باشند و بگویند انگلستان بهیچ شکلی از اشکال نباید در خلیج فارس باقی بماند و از جمله بخصوص باید پایگاههای آن از خلیج فارس برچیده شود . وقتی موضوع بحرین مطرح شد روزنامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران برای بار اول مراجعه بآراء عمومی مردم این سرزمین

دنباله از صفحه ۱

احیاء قانون ملی شدن صنایع نفت

فرصتهای تازه - امکانات تازه

در بیست سالی که از ملی شدن صنایع نفت ایران و خلع ید از شرکت سابق میگذرد تحولات کیفی فراوانی بسود نیروهای ضد امپریالیستی در صحنه جهان رخ داده است . انعکاس این تحولات را میتوان در مقاومت روز افزون کشورهای نفت خیز در برابر انحصارگران نفتی ، در بدست آوردن امتیازات گوناگون توسط این کشورها از شر کتلهای نفتی ، در تشکیل جبهه متحدی از کشورهای نفت خیز (که مظهر آن «اوپک» است) در برابر کارتل بین المللی نفت در تشدید و تسریع پروسه ملی کردن منابع نفت در کشورهای نفت خیز مشاهده کرد . کاملاً آشکار است که قدرت روز افزون جبهه

ضد امپریالیستی خلقها ، که در مرکز آن اردوگاه سوسیالیستی و قبل از همه اتحاد شوروی قرار دارد ، فرصتها و امکانات تازه ای بوجود آورده است که خلقها بتوانند حق حاکمیت خود را بر منابع نفت خود اعمال و رفاه مادی خود استفاده کنند . علاوه بر آن نیاز روز افزون کشورهای رشد یافته سرمایه داری به نفت و در همانحال وابستگی آنها بویژه به نفت خاور میانه انحصارگران را در موضع ضعیف تری قرار میدهد و این واقعیت نیز بنوبه خود امکان فشار بر آنها و گرفتن امتیاز از آنها را بیشتر میکند .

برای مردم میهن ما که این حق را بیست سال پیش بدست آورده اند ، برای مردم میهن ما که همسایه بزرگ و نیرومندی مانند اتحاد شوروی را در کنار و همراه خود دارند ، برای مردم میهن ما که با مبارزه بی امان و خستگی ناپذیر خود حتی در شرایط ترور و اختناق موفق شده اند انحصارگران نفتی را بعقب نشینی های جدی مجبور سازند ، این فرصتها و امکانات تازه برای استفاده آزاد و مستقل از منابع نفتی خویش جلوه و اهمیت بیشتری کسب میکند . این بدان معنی است که هم امکانات مبارزه بر ضد انحصار-گران نفتی و گرفتن امتیازات بیشتری از آنها افزایش یافته است و هم امکانات مبارزه برای احیاء قانون ملی شدن صنایع نفت و قطع کامل تسلط انحصارگران نفتی از بزرگترین ثروت ملی ایران .

در آنچه که مربوط بدولت ایران است باید گفت که اگر دولت ایران از فرصتها و امکانات تازه برای تشدید مقاومت در برابر انحصارگران نفتی ، برای گرفتن امتیاز هر چه بیشتر از آنها بسود مردم ایران و بالاخره برای اعمال حق حاکمیت مردم ایران بر منابع نفت خود ، یعنی احیاء قانون ملی شدن صنایع نفت ، استفاده نکند تنها نتیجه ای که خواهد برد اثبات بی پایه ای ادعاهای اوست . و اگر نه مردم ایران مبارزه تاریخی خود را برای احیاء قانون ملی شدن صنایع نفت ، برای آنکه این بار خلع ید از انحصارگران نفتی بطور قطع و برای همیشه انجام گیرد ادامه خواهند داد و تردیدی هم نیست که پیروزی نهائی با مردم ایران است .

مردم را سازمان دهد و با انعقاد قرارداد کنسرسیوم سیر تکامل جنبش ملی کردن صنایع نفت ایران را متوقف سازد و آنرا گامی بعقب برگرداند .

حق مردم ایران

ولی مردم ایران که پس از پنجاهسال مبارزه فداکارانه توانسته بودند به آرزوی دیرینه ملی خود دست یابند حاضر نبودند از حق حاکمیت خود در استفاده از منابع ثروت ملی خویش صرف نظر کنند . بهمین جهت مردم ایران هرگز نه قرار داد کنسرسیوم را برسمیت شناخته اند و نه از مبارزه برای احیاء قانون ملی شدن صنایع نفت دست کشیده اند . مردم ایران با وجود شرایط دشوار پس از کودتا از هر فرصت و امکائی برای ابراز تمایل و اراده خویش در این زمینه استفاده کرده اند . قدرت و تأثیر افکار عمومی مردم ایران در این مورد بعدی بود که حتی انحصارگران نفتی و عاقدین قرارداد کنسرسیوم نیز نتوانستند چرخ تاریخ را یکباره بعقب برگردانند و مجبور شدند اصل ملی شدن نفت ایران را ولو در ظاهر بپذیرند . بدین ترتیب حق مردم ایران برای اداره مستقل صنایع نفت خویش قانوناً از طرف همه مراجع داخلی و بین المللی و حتی از طرف امپریالیستهای نفتخوار برسمیت شناخته شده است . برای اجرای این حق است که مردم ایران به مبارزه خود بر ضد انحصارگران نفتی ودولت های امپریالیستی پشتیبان آنها ادامه میدهند .

را پیشنهاد کرد . ما معتقد بودیم و هستیم که مردم هر سرزمینی حق دارند که خود سرنوشت خویش را تعیین کنند البته مراجعه بآراء عمومی که حزب ما میخواست با آن باصطلاح رفتارندمی که با موافقت دولت ایران انجام گرفت زمین تا آسمان فاصله داشت ولی بهر صورت اصل اینست که خود مردم هر منطقه سرنوشت خود را تعیین کنند .

حزب ما در عین حال همواره یادآوری کرده که برچیدن پایگاههای نظامی انگلیس از بحرین باید یکی از شرایط حل مسئله بحرین و دشواریهای خلیج فارس باشد . ما معتقد بودیم و هستیم که وجود پایگاههای نظامی انگلیس در خلیج فارس و از جمله در بحرین امری نیست که ایران بتواند نسبت به آن بی اعتنا بماند ولو اینکه شیخ بحرین و سایر عمال انگلیسی با وجود چنین پایگاههایی موافقت کنند و با وادار بموافقت شوند دولت ایران حق دارد که خواستار برچیدن آنها گردد . مردم بحرین در رفتارندم به استقلال خود رأی داده اند و هرگونه حضور نظامی انگلیس و از جمله وجود پایگاههای نظامی در آن سرزمین با استقلال بحرین مغایرت داشته و خلاف رأیی است که مردم بحرین داده اند . دولت ایران بعنوان یک جانب دعوی باید این مسئله را مطرح کند . ایران با رأی مردم بحرین دایر باستقلال موافقت کرده است و نمیتواند با سیاست استعمار انگلیس دایر بادامه تحت الحمایگی در اشکال نوین آن موافق باشد .

قانون ارتجاعی ۱۳۱۰ (قانون سیاه)

باید لغو شود!

قانون خرداد ماه سال ۱۳۱۰، نخستین اقدام رسمی رژیم دیکتاتوری رضا شاه علیه نیروهای مترقی بود. بموجب این قانون مجلس آن زمان، گام نخستین را در راه نقض قانون اساسی برداشت و به دولت حق داد تا هر میهن پرست آزاده‌ای را ببهانه داشتن «مرام اشتراکی» و «ضدیت با سلطنت مشروطه ایران» به ۱۰ تا ۳۰ سال زندان محکوم نماید. اکنون ۴۰ سال از آن تاریخ می‌گذرد و با آنکه طی این زمان دگرگونیهای بنیادی در جامعه بشری رخ داده و میهن ما نیز می‌توانست طی این دوران پروسه تحول دموکراتیک جامعه را پس از انقلاب مشروطیت به مراحل کاملتری برساند ولی چنین نشد و قانون سیاه ۱۳۱۰ را قوانین ارتجاعی دیگری تکمیل نمود و اختیارات هیئت حاکمه را در اعمال شوه‌های خشن نسبت به نیروهای ملی و مترقی افزایش داد.

تباین قانون ارتجاعی سال ۱۳۱۰ با روح و موازین دموکراتیک قانون اساسی بارز است. قانون اساسی ایران استبداد و خودسری را محکوم نمود و برخی حقوق و آزادیهای مردم را تضمین کرد. ولی قانون ۱۳۱۰ با استبداد مرده جان داد و حقوق و آزادیهای مردم را به گور سپرد. نخستین کسانی که قربانی قانون ۱۳۱۰ شدند، گروه دکتر ارنانی و یارانش بودند (سال ۱۳۱۷). دکتر ارنانی در دادگاه ۵۳ نفر پرده از ماهیت این قانون ارتجاعی برداشت و آنرا «قانون سیاه» نام گذاری کرد. وی گفت:

«مجلس شورای سال ۱۳۱۰ با وضع این قانون، آزادی عقاید را رسماً قذف نموده و توهین «کمر شکنی به ملت ایران وارد آورد. هر «قدر در هویت آن مجلس و تشریفات «قانونی تشکیل آن و منافاتی که قانون «مزبور با روح قانون اساسی دارد و «سوء استفاده‌ای که مجلس از حق خود» «بدون توجه به احساسات عمومی نموده» «است بیشتر دقت کنیم، این قانون مضمضح «تر و کثیف تر در نظر جلوه میکند. همین «جهت ما آنرا یادگار محکمه تاریخی امروز» «قانون (سیاه) می نامیم و برای حفظ «شرافت ملت ایران نفرت شدید خود را» «نسبت به آن اظهار میداریم.»

دکتر ارنانی پیش بینی نمود که: «اگر چه آن قانون اصولاً برای قذف کردن «فکر کمونیسیم وضع شده است، در عین «حال بجهت تکمیل عمل خود تمام عقانگرا» قذف نموده، یعنی مطابق آن میتوان تمام «عقائد را اعم از سوسیالیستی و دموکرات» و غیره تعقیب کرد.»

پیش بینی ارنانی به تحقق پیوست و امروز پس از سی و سه سال از محکومیت ارنانی و یارانش با تمام داشتن «عقیده اشتراکی» نه تنها کلیه احزاب سیاسی مخالف رژیم، بلکه حتی اعضای سازمانهای توده‌ای علنی

مانند سازمانهای کارگران، زنان، دانشجویان و جوانان طبق همین قانون مورد تعقیب قرار گرفته و می‌گیرند. آنتی کمونیسیم بمشابه ارتجاعی ترین جریان ایدئولوژی بورژوازی با آنکه نخستین هدفش احزاب کارگری است ولی در عین حال متوجه تمام نیروهای ملی و دموکراتیک و هر جنبش مترقی است که علیه امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی مبارزه میکنند. «قانون سیاه» نه تنها ناقض قانون اساسی است، بلکه با اعلامیه حقوق بشر هم در تضاد آشکار است. بموجب این اعلامیه همه دولتها موظفند آزادی اندیشه، عقیده، مذهب بیان و قلم را محترم شمارند. دولت ایران نیز از امضاء کنندگان این سند جهانی است ولی آنرا نیز مانند قانون اساسی نادیده گرفته و راه را برای روشهای خودسرانه حکومت فردی هموار نموده است. مردم ایران که ۶۵ سال پیش بپا خاستند و قانون اساسی را تحصیل نمودند، اکنون متهمند که گویا شایسته برای برخورداری از مواهب دموکراسی نیستند، متهمند که شعور سیاسی و رشد اجتماعی ندارند؛ همه اینها تلافی بی ثمر هیئت حاکمه‌ای است که برای پوشش دیکتاتوری خود هر روز نغمه تازه‌ای سر میکند. یک روز دموکراسی را «امرواقع» و مجالس انتصابی و احزاب ساختگی را بمشابه مظاهر غیر قابل انکار دموکراسی جلوه میدهد و چون مردم باور نمیکنند، مسئله وحدت ملی و «آشتی طبقات» را بپایان میکشد و سرانجام صاف و پوست کنده استقرار دموکراسی باصطلاح غربی را برای ایران بمشابه «سم» اعلام میکند اما این معاذیر هیچکس را نمی‌فریبد. مردم ایران با آنهمه سنت درخشان مبارزه علیه بیگانگان، علیه ظلم و خودسری، یک خلق کاملاً رشد یافته برای برخورداری از مواهب دموکراسی است. مسئله «آشتی طبقات» و «وحدت ملی» که اکنون مرتدین جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی میهن ما نیز همراه با گردانندگان رژیم آنرا تبلیغ میکنند سخن کودکانه‌ای بیش نیست، زیرا در جامعه ای که از طبقات متناقض تشکیل یافته هیچگونه آشتی و وحدتی بین طبقات ستمگر و ستمکش بین استثمارگران و استثمار شونده‌گان نمیتواند وجود داشته باشد. مبارزه طبقاتی راز تحول جوامع طبقاتی است و اعمال ترور و فشار میتواند سیر این مبارزه را موقتاً کند سازد میتواند پیروزی طبقات زحمتکش را به تعویق اندازد اما نمیتواند طبقات را آشتی دهد.

قانون سیاه سال ۱۳۱۰ و قوانین مکمل آن حربه رژیم در مبارزه با کمونیسیم و همه جریانهای مترقی و ضد امپریالیستی میهن ماست. هیئت حاکمه ایران که قادر به حل مثبت مسائل مطروحه در جامعه نیست، میخواهد با حربه آنتی کمونیسیم جنبش ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی میهن ما را سرکوب کند، اما این شدنی نیست. علی‌رغم تشدید

نقش تازه‌ای که برای احزاب دولتی

قائل شده‌اند

امینت نیز که بنام مرموز «مقام امنیتی» دو بار مصاحبه مطبوعاتی ترتیب داد مردم را باین همکاری دعوت کرده بود. در جریان دستگیری و تعقیب افراد گروه سیاهکل، مطبوعات همه جا کوشیدند نمونه‌هایی ارائه دهند حاکی از اینکه گویا مردم مشغول همکاری با پلیس و ساواک هستند!

این دعوت به همکاری اطلاعاتی با ارگانهای «انتظامی»، این سیاست جاسوس پروری، خورد کردن پیوند اعتماد بین مردم بتازگی بمیان نیامده است و سابقه طولانی دارد. این یک سیاست ضد دمکراتیک است که محیط تنفس آزاد را بیش از پیش از میان میرد.

دعوی هیئت حاکمه آنست که وظیفه احزاب موجود رخنه دادن تبلیغی موازین و مقررات زندگی دمکراتیک در کشور است. بدین منظور ما بین این احزاب روابط «اپوزیسیون» و «مبارزه» صحنه سازی میشود، ولی بیش از پیش معلوم میشود که این احزاب باید «زوائد اجتماعی» ساواک و اهرمهای عمل وی باشند و به گرد آوری اطلاعات سودمند برای پلیس کمک کنند.

دعوت سخنگویان هیئت حاکمه از مردم برای جاسوسی علیه یکدیگر و اعتلاء این عمل تا حد وظیفه طبیعی لازم و واجب اخلاقی فرد افراد اعضا کشور با اجابت مردم ایران روبرو نخواهد شد. این دعوت دعوتی است بقصد آلوده کردن وجدانها و شرکت اشخاص در خودسریهای هیئت حاکمه. این دعوت در حکم بسط باز هم بیشتر محیط پلیسی و بدل کردن موازین آن بموازین مسلط درزنگی اجتماعی است. چنین شیوه‌ای نافی روح دمکراتیک قانون اساسی ایران و منشور حقوق بشر است یعنی اسنادی که کماکان هیئت حاکمه ایران به طرفداری از آنها تظاهر میکند.

ا. س.

بیش از پیش روشن میشود که هیئت حاکمه برای احزاب دولتی «ایران نوین» و «مردم» نقش تازه یعنی نقش نظارت جاسوسانه بر اعمال مردم را قائل شده است. پس از قتل رئیس دادستانی ارتش ضیاء فرسیو، رهبری حزب ایران نوین از اعضای خودخواست که با پلیس دریافتن کسانی که در این حادثه دست داشته‌اند، همکاری کنند. شاه در بر خورد با اعضای حزب دولتی «مردم» کوشید تا این عمل همکاری اعضای احزاب دولتی با پلیس را بر یک زمینه سیاسی و فکری و حتی اخلاقی مبتنی سازد. شاه در سخنان خود ابتدا وعده داد که به «سازمان بازرسی شاهنشاهی» و «وزارت خارجه» و «دستگاههای انتظامی» دستور خواهد داد اطلاعات خود را در اختیار «هر دو تشکیلات حزبی» (یعنی حزب ایران نوین و حزب مردم) قرار دهند و سپس چنین گفت: «البته نمی‌خواهم بگویم که یک‌عده‌ای هم این عادت را دارند که می‌گویند خوب بمن چه یا دستگاه خودش فکری میکند و ترتیب کار را میدهد و جلوی، خدای نخواسته، خیانت را خودش می‌گیرد. میخواهم بگویم نه اینطور نیست. این کار وظیفه اخلاقی فرد شماست. زیرا هر کدام شما نسبت باین مملکت سهم کاملاً مساوی دارید. از آنجا که سهمی که همه نسبت بمملکت دارید مساوی است، وظیفه‌ای نیز که در مقابل ولو عده‌ای ناچیز که از راه راست منحرف هستند، وظیفه مقابله، ارشاد و اگر لازم باشد مقاومتی که نسبت باینها دارید، امری است طبیعی، لازم، واجب.»

باین ترتیب شاه میخواهد با ارائه نظریات و اطلاعات سمت دار دستگاههای دولتی در اختیار افراد و حزب آنها را در جهت مطلوب رژیم به فعالیت وادارده «مقاومت» در مقابل کسانی که او آنها را «منحرف از راه راست» می‌شمرد، تشویق میکند و این امر را هم وظیفه اخلاقی آنها می‌شمرد، بدنبال سخنان شاه شهربانی رسماً از مردم دعوت کرد که با وی در امر دستگیری افراد گروه سیاهکل همکاری کنند چندی پیش سخنگوی سازمان

اختناق و فشار، علی‌رغم اعداهای پی در پی بدون محاکمه، علی‌رغم بخون کشیدن تظاهرات مسالمت آمیز کارگران و علی‌رغم محیط خفقان آوری که سازمان امنیت با بی قانونی‌ها و خود سربهای خود بوجود آورده است، مردم از پا نخواهند نشست تا قانون اساسی را احیا کنند. هیچ «قانون» ارتجاعی نمیتواند مانع این کوشش و این مجاهدت مقدس شود. مبارزه در راه لغو «قانون سیاه» یکی از شعارهای مبارزه مردم ایران در راه دموکراسی است. باید از هیئت حاکمه طلبید: قانون ارتجاعی سال ۱۳۱۰ را لغو کنید!

مینو

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه‌ای رخ ندهد، از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بموقع اطلاع دهند.

هموطنان عزیز!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو بیگ ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهادهای خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

در باره پیمان دوستی و همکاری بین شوروی و جمهوری متحده عرب

ایالات متحده آمریکا است که با اتخاذ چنین موضعی در واقع تلاشهای نیل به صلح را عقیم میسازد، در تجاوز شرکت میکند و خاورمیانه را به سوی فاجعه ای میراند که عواقبش را نمیتوان پیش بینی کرد. انورالسادات اهمیت عظیم همکاری با کشورهای سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه سراسر جهان را متذکر گردید و گفت: «این نکته را باید خاطر نشان ساخت که اتحاد شوروی نخستین کشوری بود که موضع ما را درک کرد، آنرا مورد پشتیبانی قرار داد و از چنان نیروی اثر بخشی برخوردار ساخت که بدون آن در جهان کنونی، حق هیچ زوری نخواهد داشت...» دوستی اعراب و شوروی که بدست جمال عبدالناصر پی ریزی شد و مورد استقبال خلق قرار گرفت و همه جانبه توسعه یافت، سنت دیرینه دارد. این دوستی در مبارزه علیه استعمار و امپریالیسم بوجود آمده و پرورش یافته، ساختمان سد عالی آسوان، عمل قاطع اتحاد شوروی علیه تجاوز سه جانبه در سال ۱۹۵۶، کمک همه جانبه برای صنعتی کردن مصر و دائر کردن اراضی، بالاخره کمک وسیع و همه جانبه اتحاد شوروی در مبارزه علیه تجاوز امپریالیستی اسرائیل و برای برانداختن عواقب این تجاوز نشانه های برجسته این دوستی است.

برای بسط روابط افقهای جدیدی میگشاید، برای همکاری همه جانبه دو کشور در زمینه های سیاسی، نظامی، اقتصادی، علمی، فنی و فرهنگی و سایر شؤون زندگی اجتماعی بر پایه مراعات اصول حاکمیت، تمامیت ارضی، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، برابری و تأمین منافع متقابل بنیاد محکمی بوجود میآورد. این پیمان امکان میدهد که مساعی مشترک علیه دسائیس تجاوز کارانه امپریالیست ها و دستاران آنها تقویت شود و امنیت بین المللی تحکیم گردد. در پیمان گفته میشود در صورت پیدایش وضعی که بنظر طرفین صلح را مورد تهدید قرار دهد یا آنرا بر هم زند، آنها بیدرنگ با هم تماس خواهند گرفت تا مواضع خود را بمنظور رفع خطر یا استقرار مجدد صلح هماهنگ سازند.

با انعقاد پیمان دوستی و همکاری میان اتحاد شوروی و مصر بنقشه های امپریالیسم بین المللی ضربت جدیدی وارد آمد و نوطه های امپریالیسم که میکوشد بین دو کشور شکاف ایجاد کند نقش بر آب شد. در پیمان قید گردیده است که اتحاد شوروی بمشابه یک دولت سوسیالیستی و جمهوری متحده عرب که ایجاد جامعه سوسیالیستی را هدف خود قرار داده است برای حفظ و گسترش دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی خلقهای خویش همکاری خواهند کرد. بدین ترتیب خط اساسی رشد جمهوری متحده عرب که پس از پیروزی انقلاب مصر در زمان حیات جمال عبدالناصر تدوین گردیده و بصورت دو سند برنامه ای «منشور اقدام ملی و برنامه ۳۰ مارس» تنظیم شده است پیکرانه دنبال خواهد شد. در این اسناد انجام اصلاحات اجتماعی و اقتصادی مترقی باز هم بیشتر، عمل ووا کش مؤثر علیه امپریالیسم و ارتجاع، مبارزه برای رفع عواقب تجاوز اسرائیل، تحکیم مناسبات دوستی نزدیک و همکاری ثمر بخش با کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول با اتحاد جماهیر شوروی پیش بینی شده است.

مردم مصر زندگی نو را در شرایط پیچیده و با وجود ضدیت و مخالفت دائمی نیروهای امپریالیستی و ارتجاع داخلی شالوده میزنند. تجاوز اسرائیل به جمهوری متحده عرب و کشورهای عربی دیگر که با پشتیبانی امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا انجام گرفت امحاء دستاوردهای انقلابی مردم مصر و سرکوب جنبش رهائی بخش ملی اعراب را هدف خود قرار داده بود. چون تجاوز مستقیم اسرائیل به هدف نرسید امپریالیستها میکوشند به مانور دست زنند. تجاوز کاران آگاهانه حل مسئله را به بن بست میکشاند و علیه اجراء تصمیمات شورای امنیت توطئه میکنند، پیشنهادهای مثبت و خلاق جمهوری متحده عرب را برای حل اختلاف خاور نزدیک که با توجه به حقوق قانونی و منافع همه دولتها و خلقهای این منطقه از آن جمله اعراب فلسطین تنظیم شده است رد میکنند و در عین حال از کوشش رای

استقرار صلح در خاور نزدیک دم میزنند. زمامداران امریکا خود سرانه نقش «میانجی گری» را برای رفع اختلافات اعراب و اسرائیل بر عهده میگیرند تا با استفاده از اسرائیل اراده خود را بر دولتهای عرب تحمیل نمایند. اما مسلم است که صلح دوستی ظاهری توأم با وعده های پوچ کسی را نمی فریبد. پشتیبانی مردم جهان از حقوق خلقهای عرب تقویت مییابد و اسرائیل بیش از پیش منفرد میگردد.

بطوریکه در اعلامیه مشترک اتحاد شوروی و مصر تصریح گردیده صلح پایدار، استوار و عادلانه در خاور نزدیک فقط هنگامی میتواند برقرار شود که اسرائیل کلیه اراضی اشغال شده را تخلیه کند و مجموعه تصمیمات مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت را اجرا نماید.

انعقاد پیمان دوستی و همکاری میان اتحاد شوروی و جمهوری متحده عرب از طرف همه کشورهای سوسیالیستی و مردم ترقیخواه جهان با مسرت و خوشوقتی استقبال شد، ولی در عوض موجب حیرت و عصبانیت محافل امپریالیستی گردید.

خبرگزاری آسوشیتد پرس اطلاع داد که اثرات دامنه دار سیاسی و اقتصادی پیمان و همچنین لحن صمیمانه اعلامیه مشترک محافل دیپلماتیک ایالات متحده امریکا را ناراحت ساخته است. روزنامه فرانسوی «کومبا» نوشت که دیپلماسی امریکا متحمل شکستی گردیده است، اندیشه برگشت احتمالی ائتلاف مصر یک پندار واهی بیش نبود. واکنش مطبوعات آلمان غربی نیز در این زمینه جالب توجه است. «دی ولت» مینویسد: «کارشناسان خاور نزدیک در پشت پرده کم گوئی رسمی وتظاهر بخنوسردی نمیتوانند این امر را پنهان کنند که پیمان قاهره در آرامشی که پس از ملاقات راجرز و انورالسادات در وزارت امور خارجه امریکا حکم فرما بود مانند یک دوش سرد اثر کرد. برای سیاست وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکادر خاور نزدیک عقد پیمان قاهره شکست بزرگی است.

امپریالیستها و دستیاران آنها خشمناکند زیرا تمهیدات آنها برای تفرقه افکندن در بین نیروهای ملی و مترقی جمهوری متحده عرب، برای پراکندن تخم دوگانگی در بین کشورهای عربی، برای ایجاد شکاف در مناسبات دوستی مصر و کشورهای سوسیالیستی بهدفع نرسید و آرزوهای دشمنان ترقی برآورده نشد. چنانکه رفیق برژنف ضمن نطق خود در جلسه انتخاباتی مسکو گفت، عقد پیمان دوستی و همکاری مصر و شوروی دلیل تازه ایست بر پیوستگی روزافزون جبهه ضد امپریالیستی خلقها. ح. فروردین

چاپ سوم آخرین دفاع

خسر و روز به

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران در دادگاه نظامی (فروردین سال ۱۳۳۷) منتشر شد

«نشریات توده»

با تقاضای خوانندگان و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند، بدینوسیله بهای نشریات موجود به اطلاع همگان میرسد. ضمناً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند:

- بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده بپردازند.
- خوانندگان مقیم خارج از کشور معادل ریالی بهای نشریات را به پول کشور محل اقامت خود بپردازند.
- خوانندگان گرامی بابت نشریاتی که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتوانند کمک کنند.
- رسید نشریات و مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند.

بها	نام نشریه
۱۰ ریال	ماهنامه مردم
۴۰ »	مجله دنیا
۲۰ »	مجله مسائل بین المللی
۴۰ »	مانیفست
۵ و ۳ و ۲ و ۱	سرمایه جزوه
۴۰ »	هر جزوه
۸۰ »	انقلاب اکتبر و ایران
۲۰ »	برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی
۴۰ »	یاد داشتهای فلسفی و اجتماعی
۴۰ »	هیجدهم برومر لوئی ناپارت
۱۰ »	خان و دیگران
۲۰ »	یادنامه شهیدان
	جهان بینی ها و جنبش های اجتماعی
۸۰ »	در ایران
۲۰ »	توده ایها در دادگاه نظامی
۱۰ »	الهابی مبارزه
۲۰ »	استاد کنفرانس مسکو
—	گواهی دوستان
۵۰ »	زندگی و آموزش لنین
۳۰۰ »	منتخبات لنین - جلد اول قسمت دوم
۱۲۰ »	سالنامه توده
۲۰ »	دفاع روزبه
—	ما و کنفدراسیون
۵ »	روزنامه آذربایجان
۴۰ »	مجله آذربایجان
۲۰ »	آخرین دفاع روزبه بزبان آذربایجانی
۲۰ »	متن دفاع ارانی بزبان آذربایجانی
	کتاب شهیدان بزبان آذربایجانی
۴۰ »	در دو جلد - هر جلد
۱۰ »	اشعاری در باره لنین بزبان آذربایجانی
۲۰ »	لنین و ایران بزبان آذربایجانی
۸۰ »	واژه های سیاسی و اجتماعی

شماره حساب بانکی ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشرح زیر است:

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

پیامهای شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به احزاب برادر

در ماههای آوریل و مه ۱۹۷۱ کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت سالروزهای برجسته تأسیس سه حزب برادر: حزب سوسیالیست متحد آلمان، حزب کمونیست

چکوسلواکی و حزب کمونیست رومانی پیامهای شادباشی برای کمیته های مرکزی آن احزاب ارسال داشت. در زیر قسمتهائی از این پیامها درج میگردد.

بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد تأسیس حزب سوسیالیست متحد آلمان

کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام شادباشی ارسال داشته است که در آن از آنجمله چنین گفته میشود:

تشکیل حزب سوسیالیست متحد آلمان نتیجه دهها سال مبارزه بهترین نمایندگان طبقه کارگر آلمان بخاطر تأمین وحدت در جنبش کارگری آلمان و پیروزی تاریخی جهان بینی انقلابی پرولتاریا بر اپورتونسم بود. میتوان بجات گفت که حزب سوسیالیست متحد آلمان بزرگترین دستاورد جنبش کارگری آلمان از زمان «مانیفست حزب کمونیست» و تشکیل حزب کمونیست آلمان است. حزب سوسیالیست متحد آلمان در تاریخ ۲۵ ساله خود همواره مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری را راهنمای خود قرار داده است. طبقه کارگر آلمان و جنبش بین المللی کارگری میتواند با شادی و غرور بتاریخ پیکارجویانه حزب سوسیالیست متحد آلمان بنگرد.

در اثر تغییر تناسب قوا بسود نیروهای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم سرمایه مالی در جمهوری فدرال آلمان مجبور به اتخاذ تاکتیک جدیدی شده است. اجرای این تاکتیک جدید به دولت سوسیال - لیبرال واگذار گردیده است. ولی این تغییر تاکتیک تغییری در ماهیت سیاست سرمایه مالی نداده است. بهمین جهت بدون مرز بندی آشکار بین مارکسیسم - لنینیسم و سوسیال دموکراسی ادامه موفقیت آمیز مبارزه طبقاتی ممکن نیست. سیاست حزب سوسیالیست متحد آلمان در این زمینه مورد پشتیبانی کامل حزب ما است.

رفقای عزیز! جنبش انقلابی مردم ایران پیوند برادرانه دیرینه ای با پيشاهنگ طبقه کارگر آلمان دارد. بسیاری از مبارزان انقلابی ما در مکتب کمونیستهای آلمان پرورش یافته اند. حزب سوسیالیست متحد آلمان با وفاداری کامل به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری همواره از مبارزه آزادیبخش مردم ایران بر ضد امپریالیسم و ارتجاع و بخاطر صلح، دموکراسی، استقلال ملی و سوسیالیسم پشتیبانی کرده و از هیچگونه کمکی دریغ نورزیده است. ما فرصت بیست و پنجمین سالگرد حزب سوسیالیست متحد آلمان را مغتنم میشمریم و بار دیگر مراتب تشکر صمیمانه خود را ابراز میداریم.

جمهوری دموکراتیک آلمان تحت رهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان از نظر اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و نظامی از هر زمان دیگری نیرومند تر است. جمهوری دموکراتیک آلمان در اتحاد ناگسستی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی به انجام وظیفه تاریخی خود در حفظ صلح در قلب اروپا و ساختمان سیستم گسترش یافته سوسیالیسم مشغول است. ما اعتقاد راسخ داریم که حزب سوسیالیست متحد آلمان تحت رهبری کمیته مرکزی مارکسیست - لنینیست خود در آینده نیز به پیروزیهای بزرگ و نوبنی دست خواهد یافت.

در پیام شادباش به کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی

بمناسبت پنجاهمین سالروز بنیادگذاری آن حزب گفته شده است:

... حزب کمونیست چکوسلواکی در دوران اشغال چکوسلواکی بوسیله غاصبان فاشیست یگانه حزب کشور بود که بر پایه یک برنامه مشخص ضد فاشیستی قهرمانانه علیه اشغالگران هیتلری مبارزه میکرد.

در اوت سال ۱۹۴۴ قیام قهرمانانه مردم چکوسلواکی تحت رهبری حزب کمونیست ضرت جدی بر اشغالگران فاشیست وارد ساخت. در ۴ مه سال ۱۹۴۵ ارتش پرورز مند شوروی که مورد پشتیبانی انقلابیون چکوسلواکی بود پراگ را از قید اشغال فاشیستها آزاد ساخت و بدینسان دوران نوبین تاریخ کشور شما آغاز گشت...

در پیام سپس خاطر نشان میگردد که در دوران اشغال چکوسلواکی بوسیله غاصبان فاشیست یگانه حزب کشور بود که بر پایه یک برنامه مشخص ضد فاشیستی قهرمانانه علیه اشغالگران هیتلری مبارزه میکرد.

مساعی فراوان بکار برد. عناصر رولزیونیست در داخل حزب نخست منفرد و سپس مطرود شدند. تردید نیست که با تأمین نقش رهبری حزب کمونیست در حیات کشور و با قرار داشتن مارکسیست - لنینیستهای واقعی در رأس حزب، بازمانده های مشکلات ناشی از فعالیت مغرب گذشته عناصر ضد انقلابی نیز بکلی از میان خواهد رفت.

در پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به

کمیته مرکزی حزب کمونیست رومانی

که بمناسبت پنجاهمین سالروز تأسیس حزب کمونیست رومانی ارسال شده است گفته میشود: قرار میدهد و با اتکاء به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری از تقویت وحدت جنبش جهانی کمونیستی هواداری میکند.

در پایان نامه شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران تصریح گردیده است که ایدئولوژی مشترک مبتنی بر اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و مبارزه در راه امر مشترک دو حزب ما را با رشته های محکم بیکدیگر پیوند میدهد. کامیابی های درخشان شما در ساختمان سوسیالیسم ما را عمیقاً شاد میکند و بما در مبارزه انقلابی الهام میبخشد.

حزب توده ایران که در شرایط دشوار مخفی علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه استقرار آزادیهای دموکراتیک مصرحه در قانون اساسی، در راه ترقی اجتماعی و استقلال واقعی مینهن ما مبارزه میکند برای پشتیبانی برادرانه حزب کمونیست رومانی از مبارزه ما همواره ارزش عالی قائل بوده است.

... حزب کمونیست رومانی که بمثابه وارث بهترین شعائر انقلابی مردم رومانی در شرایط اوج جنبش کارگری انقلابی و پیکارهای طبقاتی بزرگ در رومانی تحت تأثیر پیروزی جهانی - تاریخی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر پدید آمد در طول حیات پر افتخار پنجاهساله خود راه انقلابی دشواری در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم، بخاطر آزادی، استقلال ملی و سوسیالیسم پیموده است.

طی سالهای استقرار نظام نوین در رومانی طبقه کارگر، دهقانان و روشنفکران رومانی در پرتو کار قهرمانانه تحت رهبری پيشاهنگ آزموده خویش - حزب کمونیست رومانی در تمام شئون سیاسی، اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی دیگر گونهای انقلابی بنیادی پدید آوردند.

حزب کمونیست رومانی توسعه و تحکیم دوستی و همکاری همه جانبه و اتحاد برادرانه با تمام کشورهای سوسیالیستی را بخاطر ترقی و صلح جهانی در مرکز سیاست خارجی خود

پاسخ کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا

به پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

محکمی که دو حزب ما را در مبارزه جنبش کمونیستی و کارگری بخاطر تحقق صلح و آزادی خلقها و سوسیالیسم بیکدیگر پیوند میدهد.

تشکرات خود را همراه با درودهای برادرانه تجدید میکنیم

کمیته مرکزی

حزب کمونیست ایتالیا

زحمتکشان ایران علیرغم همه این فشارها و ستمگریها مبارزه خود در راه وصول به هدفهای صنفی و آزادی سندیکائی ادامه خواهند داد. کمیته مرکزی حزب توده ایران بپازماندگان کارگران شهید تسلیم میگردد و پشتیبانی کامل و بیدریغ خود را از خواستههای عادلانه و قانونی کارگران کارخانه های جهان کرج ابراز میدارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۰

دنباله از صفحه ۱

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران شرافتمند ایران و جهان خواستار است که صدای اعتراض خود را علیه اینگونه جنایات بلند کنند و بمقامات دولتی ایران اعتراض نمایند.

تصور اینکه با زور سر نیزه و قتل و جرح زحمتکشان از سوئی و تبلیغات عوام فریبانه از سوی دیگر میتوان از مبارزه حق طلبانه و منجد طبقه کارگر ایران جلوگیری کرد، خیالی واهی است. یقین است که

شادباش به گذرگه چهاردهم . . .

حزب توده ایران و تمام اعضای حزب ما را به گذرگه شما تقدیم داریم و شمر بخشی و توفیق کامل کار گذرگه را آرزومند شویم. در عین حال فرصت را مغتنم بشماریم و بمناسبت پنجاهمین سال تأسیس حزب کمونیست پرافتخار چکوسلواکی به حزب شما و به تمام مردم چکوسلواکی صمیمانه تهنیت میگوییم. تاریخ حزب شما مشعور از صفحیات درخشان مبارزاتی است که هم در راه حفظ پاکیزگی ایدئولوژی حزب طبقه کارگر در قبال رویزونیسم و اپورتونیسم و هم در راه استقلال کشور شما انجام گرفته است. مبارزات جانبازانه خلق های چکوسلواکی تحت رهبری کمونیست ها علیه استیلای فاشیسم، شایان تحسین است.

طی سالهای اخیر صفحه درخشان دیگری به این تاریخ افزوده شده و آن مبارزه علیه عناصر ضد سوسیالیستی و ضد انقلابی است که با اتکاء به پشتیبانی امپریالیست های آمریکا و تلالان آلمان غربی در جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی سر بلند کرده بودند. در این مبارزه پیروزی هسته سالم و آبدیده حزب کمونیست چکوسلواکی به پشتیبانی برادرانه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی دیگر تأمین گردید و این کشورها با وجود احتمال دسائس خطرناک از طرف دشمنان و احتمال عدم درک و ارزیابی های نادرست از جانب دوستان، به ساقچه حس همبستگی انترناسیونالیستی خویش از این پشتیبانی دریغ نوردیدند.

ما با احساس خرسندی یاد آور میشویم که در زمره دوستانی بودیم که از همان آغاز حوادث درست درک و درست ارزیابی کردیم. رفقای عزیز!

اهمیت پیروزی شما از حدود کشور شما بسی فراتر میرود. این پیروزی برای احزابی چون حزب ما که در شرایط دشوار تسلط ارتجاع مبارزه میکنند نیز اهمیت فراوان دارد. حزب ما اکنون با اجفافات و پیگرد های تازه ای روبروست. ارتجاع ایران که در گذشته بر خلاف قانون حزب ما را غیر قانونی اعلام کرده است بارها مدعی شده است که حزب توده بکلی منحل گردیده است ولی با این وصف هر بار بویژه حزب ما را آماج حملات و افتراآت خود قرار میدهد. حمله به حزب ما هم از راست انجام میگیرد و هم از چپ. در مبارزه علیه ما نیز مثل کشورهای دیگر ارتجاع افراطی خارجی و داخلی و «انقلابیگری» افراطی و کاذب خارجی و داخلی بیکدیگر می پیوندند.

علت این امر نیز روشن است زیرا هر دو قطب افراطی حزب ما را نه تنها مخالف اصولی خود بلکه یگانه نیروئی میدانند که در نتیجه تحلیل های اصولی و صحیح از وضع کشور در پرتو امکانات موجود بالقوه خویش بیش از هر نیروی دیگری قادر است در جریان مبارزه انقلابی تأثیر مثبت اعمال کند. حزب ما پیوسته علیه امپریالیسم و علیه عملیات تجاوزکارانه امپریالیستها که تجاوز به

هندوچین و خاور نزدیک مهمترین آنهاست بطور خستگی ناپذیر مبارزه کرده و میکند. ما در تبلیغات خود خواستار قطع جنگ و خشایه امپریالیسم امریکا علیه خلق قهرمان و بتنام بوده و هستیم و از پیکار عادلانه خلق های عرب علیه اسرائیل و حامیان امپریالیست آن و نیز از مبارزه خلق فلسطین در راه استیفای حقوق حقه خویش پشتیبانی کرده و میکنیم. در داخل کشور مبارزه کنونی ما در مرحله کنونی علیه اختناق دموکراسی متوجه است. در این مبارزه کامیابی ها و کمک های احزاب برادر که بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پیروتری انجام میگیرد با الهام و نیرو می بخشد.

رفقای عزیز! سخنرانی عمیق و پر محتوی رفیق گوستاو هوساک و برنامه شما در راه رشد اقتصاد ملی کامیابی های فراوان تازه ای را نوید میدهد و ما نیز حصول این کامیابی ها را از صمیم قلب برای شما آرزو مندیم. زنده باد حزب کمونیست پرافتخار چکوسلواکی! زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی احزاب برادر که وثیقه پیروزیهای مشترک ماست! افرشته باد پرچم کبیر و پیروزی آفرین مارکسیسم - لنینیسم!

دنباله از صفحه ۱

قطعنامه هیئت اجراییه

در گزارش رفیق برژنف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی و رفیق کاسیگین رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی به گذرگه و در قطعنامه های متعدد مصوبه این گذرگه يك مشی روشن و اصولی لنینی در زمینه مسائل بین المللی، تکامل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی شوروی، ارتقاء سطح رفاه زحمتکشان بیان شده است که تحسین و تأیید هر مارکسیست - لنینستی را بر میآورد. برنامه مشخص، واقع بینانه و دقیق مطروحه در گزارش رفیق برژنف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره تأمین صلح و امنیت جهانی بار دیگر ماهیت انسانی اصولی و صلح دوستانه سیاست اتحاد شوروی و نقش این کشور را در مبارزه علیه امپریالیسم و در دفاع از صلح، دموکراسی و سوسیالیسم نمایان ساخت.

گذرگه نتایج يك دوران پر تکاپو و حادثه را که شاخص عمده آن نبرد دو سیستم سوسیالیسم و سرمایه داری و نیرومند تر شدن سوسیالیسم است جمع بندی کرد و راههای تکامل آینده را نشان داد. ما اطمینان داریم که آن طبقه تاریخی که گذرگه بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی در مقابل مردم شوروی قرار داده است یعنی پیوند ارگانیک دستاورد های انقلاب علمی و فنی با مزایای سوسیالیسم، با ظفر مندی به تحقق خواهد پیوست و نیز مهمترین هدف نقشه پنجاه ساله جدید (۱۹۷۱ - ۱۹۷۵) یعنی ارتقاء باز هم بیشتر سطح رفاه زحمتکشان شوروی با کامیابی کامل عملی خواهد گردید. گزارش ها و اسناد مصوبه گذرگه اسناد مقنع مارکسیسم - لنینیسم خلاق و

دنباله از صفحه ۱

شادباش به گذرگه هشتم . . .

مردم زحمتکش جمهوری دموکراتیک آلمان تحت رهبری پیشاهنگ آرموده مارکسیست - لنینیست خود، حزب سوسیالیست متحد آلمان، با دستاورد های شایان تحسین خویش در ساختمان سوسیالیسم و با پیشرفت های درخشان در کلیه شئون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی برتری تکذیب ناپذیر سوسیالیسم و حقانیت آموزش کبیر مارکسیسم - لنینیسم را، در سرزمینی که بنیاد گذاران بزرگ سوسیالیسم علمی را بجهان عرضه داشته است به ثبوت رسانده اند، و لذا کاملاً حق دارند که با سر بلندی تمام بمهمن سوسیالیستی خویش ببالند.

جمهوری دموکراتیک آلمان که با اتحاد شوروی و جامعه جهانی کشور های سوسیالیستی پیوند استوار و ناگسستی دارد، با اتکاء با اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری در تحکیم قدرت سیاسی، اقتصادی و دفاعی جامعه این کشور ها نقش بسیار با اهمیتی ایفا میکند و با کامیابی های درخشان خود در تغییر فرایند تناسب نیروهای جهانی بسود سوسیالیسم سهم بسزائی دارد. مبارزات پیگیر حزب سوسیالیست متحد آلمان و دولت جمهوری دموکراتیک آلمان در راه تأمین امنیت اروپا و حفظ صلح جهانی علیه امپریالیسم جهانی و دسائس تلافیجویان، ملیتاریست ها و شونازیست های آلمان غربی، کنفرانس امنیت اروپا، پشتیبانی مادی و معنوی از پیکار قهرمانانه خلق ویت نام و سایر خلق های هندوچین، کمک های مؤثر ببارزه عادلانه ملت های عرب علیه اشغالگران اسرائیلی و حامیان امپریالیستی آنان و پشتیبانی فعال از تمام جنبش های رهایی بخش خلفای جهان احترام معنوی و اعتبار سیاسی جمهوری دموکراتیک آلمان را در صحنه بین المللی و از جمله در میان زحمتکشان مهمن ما بیش از پیش افزایش داده است.

در نتیجه افزایش اقتدار و اعتبار بین المللی جمهوری دموکراتیک آلمان، در پرتو مساعی کشور های سوسیالیستی و در درجه اول در نتیجه اجراء پیگیر و بی خدشه سیاست لنینی دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نه تنها سیاست توسعه طلبانه و تلافی جویانه امپریالیسم آلمان غربی که داکترین هالشتین یکی از مظاهر بارز آن بود با شکست مواجه شده است بلکه جنبشی بمنظور شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان بمثابه دولتی مستقل

متضمن نکات فراوان ثنوتیک و پراتیک است که جا دارد مورد توجه جنسی قرار گیرد. رفقای حزبی موظفند نتایج گذرگه بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی را مورد بررسی قرار دهند. ما اطمینان داریم این بررسی ایمان به سوسیالیسم، اعتقاد به صحت و اصولیت و اثر بخشی مشی سیاسی و اقتصادی اتحاد شوروی و امید به ظفر مندی های باز هم بیشتر و بزرگتر سوسیالیسم در مقیاس جهانی را بیش از پیش تقویت خواهد کرد. هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران

و مختار در سراسر جهان گسترش یافته است. اگرچه محافل امپریالیستی و ارتجاعی جمهوری فدرال آلمان تا کنون موفق شده اند تصویب قرار داد میان اتحاد شوروی و آلمان فدرال و همچنین قرارداد بین این دولت و جمهوری توده ای لهستان را بتأخیر اندازند ولی حتی در آلمان غربی نیز نیرو های هر چه وسیعتری بیش از پیش باین حقیقت پی میبرند که شناسائی رسمی جمهوری دموکراتیک آلمان ضرورت زمان و حکم غیر قابل برگشت تاریخ است.

امپریالیسم آلمان غربی که بویژه در سالهای اخیر کشور ما ایران را یکی از عرصه های تاخت و تاز سرمایه های خویش قرار داده است باتمام قوا میکوشد تا از استقرار مناسبات بین دولت ایران و جمهوری دموکراتیک آلمان جلو گیری نماید. زمامداران کنونی ایران نیز با وجود نتایج بسیار مثبتی که از توسعه مناسبات با اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در زمینه پیشرفت اقتصادی و صنعتی شدن کشور ما بدست آمده است هنوز بهانه های پوچ از قبیل ابراز همدردی و کمک برادرانه از طرف جمهوری دموکراتیک آلمان نسبت به پناهندگان سیاسی ایرانی و یا موضع گیری در مورد برخی مسائل مورد اختلاف بین دولت ایران و عراق از استقرار مناسبات با جمهوری دموکراتیک آلمان سر باز میزنند.

حزب توده ایران که استقرار نزدیک ترین مناسبات اقتصادی و سیاسی با جمهوری دموکراتیک آلمان را با مصالح استقلال و پیشرفت کشور ما و منافع حیاتی مردم ایران منطبق میدانند در تبلیغات وسیع خود ضرورت مبارزه برای وادار ساختن دولت ایران به شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان را پیوسته خاطر نشان ساخته و بنا بوظیفه مهمنی و ضد امپریالیستی و ترقیخواهانه خود مردم ایران را ببارزه پیگیر در راه تحقق این هدف دعوت میکند.

رفقای عزیز!

زمامداران کشور ما که تسریع در بسط مناسبات تولیدی سرمایه داری را بعنوان راه رفع عقب ماندگی اقتصادی کشور معرفی میکنند امکانات مساعد فراوانی برای غارت منابع بزرگ کشور ما بدست انحصار های سرمایه داری و سرمایه های کشور های امپریالیستی در رسته های تولیدی فراهم میکنند و بدینسان هم به پیشرفت مستقل اقتصاد ایران لطمه میزنند و هم استثمار توده های زحمتکش مهمن ما را تشدید میکنند. اینان در عین اقدام برای توسعه مناسبات سرمایه داری در شهر و ده و پایان دادن بشبوه فئودالی تولید میکوشند خود سرانه دستگاه نیمه فئودالی و ضد دموکراتیک حکومت را همچنان حفظ کنند و تضاد آشکاری را که از ایشراه بوجود میاید با توسل بزور و خشن ترین اقدامات تضحیقی بر پا نگاهدارند.

بهمین جهت حزب توده ایران در عین اینکه از اقدامات مثبت در راه بر انداختن مناسبات تولیدی ماقبل سرمایه داری و در جهت صنعتی کردن کشور و نیز از بسط دنباله در صفحه ۸

ویت نام جنوبی و ترانه هایش

ارتش رهایی بخش ویت نام جنوبی از «خه سان» تادلتای «مه کونگ» سربازان دولت پوشالی سایگون وولی نعمتان امریکائیش را بی امان میکوبد.

سیاست «ویت نامی کردن» جنگ (یعنی آنکه ویت نامی ویت نامی ها و دیگر مردم هند و چین را بکشد) و سیاست «مسالمت آمیز کردن نواحی روستائی» (یعنی نابود کردن عناصر مقاوم در نقاط روستائی) با شکست روبرو شده است. سیاست «ویت نامی کردن جنگ» پس از شکستهای لائوس و کامبوج تلفات سنگین ارتش دولتی منجر به پیدایش ناخرسندی عمیق و عمومی در مردم ویت نام جنوبی، حتی در خانواده های مرفه



افسران و کارمندان عالیرتبه طرفدار دولت

شده است. نتیجه عملی سیاست «مسالمت آمیز کردن» آن بود که تنها در سال ۱۹۷۰

تعداد ۲۰۰ هزار نفر مأمورین ویژه مسالمت آمیز کردن روستاها بدست چریکهای محلی بی ضرر شده اند. در سایگون افکار عمومی شدیدتر از همیشه علیه امریکائیه و دولت پوشالی ویت نام است. این ناخرسندی گاه بصورت مسلح و گاه بصورت مسالمت آمیز بروز میکند. ما در زیر ترجمه چند ترانه را که در سال گذشته در سایگون رواج یافته است درج میکنیم. این ترانه ها را «فان-وان-با» مدیر دفتر اطلاعاتی حکومت انقلابی موقت ویت نام جنوبی در پاریس برای منبر روزنامه «هومانته» نقل کرده و در تاریخ

در گذشت رضا ابراهیم زاده



رفیق رضا ابراهیم زاده از رفقای کارگر با سابقه ما اخیراً (۲۹ مه ۱۹۷۱) در شهر دوشنبه پس از یک بیماری طولانی که طی سالهای اخیر وی را بستری نگاه داشته بود در سن شصت و نه سالگی در گذشت. فعالیت اجتماعی رفیق ابراهیم زاده از دوران قیام خیابانی آغاز میگردد. وی در سال ۱۹۲۶ به حزب کمونیست ایران پیوست، همراه گروه پنجاه و سه نفر زندانی شد و به دهسال حبس محکوم گردید. پس از تشکیل حزب توده ایران فعالیت رفیق ابراهیم زاده بیشتر در رشته کار سندیکائی بود و در این فعالیت به عضویت هیئت عامله شورای متحده کارگران و زحمتکشان ایران رسید. رفیق ابراهیم زاده جزء کسانی است که پس از جریان سوء قصد فخر آرائی و بهانه سازی ارتجاع برای سرکوب حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی همراه دیگر رهبران حزب و شورا غیاباً به اعدام محکوم شد و مجبور بجلای وطن گردید. رفیق ابراهیم زاده در مهاجرت در فعالیتهای حزبی شرکت جست و از آنجمله در پلنوم هفتم وسیع حزب شرکت داشته است. در مهاجرت رفیق ابراهیم زاده شبانه دانشکده مارکسیسم - لنینیسم و سپس دانشکده زبان و ادبیات دانشسرای عالی دوشنبه را تمام کرد. در سالهای اخیر رفیق ابراهیم زاده بازنشسته بود.

ما با تأسف فراوان در گذشت رفیق پرسابقه خود رضا ابراهیم زاده را به همسر رفیق فقید رفیق راضیه ابراهیم زاده و فرزند و دوستان وی از صمیم قلب تسلیت میگوئیم.

اطلاع

بدینوسیله اعلام میشود که ناصر صرامی و کاظم تقفی اعضاء حزب نیستند و اخراج شده اند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

ما برنج کم داریم

ما به رخت و لباس نیازمندیم

ولی شما بما کمک بزرگ می کنید

با گلوله های تمدن!

اعلام

راديو بيك ايران بدینوسیله اعلام میدارد که انتشار اخبار و یا وصول نامه های شبنوندگان از طرف این راديو بهیچوجه دلیل ارتباط سازمانی و یا هر نوع نمایندگی از طرف حزب توده ایران برای خبر گزاران و نویسندگان نامه ها نیست. همچنین ارائه نشریات حزبی هیچگونه مدرکی برای ارتباط سازمانی ارائه دهنده با حزب توده ایران نمیشد. هدف از این اعلام حفظ امنیت شنوندگان و خوانندگان انتشارات ماست. ما در عین حال علاقه و توجه خود را به اخبار و نامه های شنوندگان و خوانندگان نشریات مان بار دیگر تأکید میکنیم و خواستاریم که با راديو بيك ايران مکاتبه کنید و از این راديو که بازنگ آزاد مردم ایران است برای ارائه خواستها و طرح دردها و مسائل اجتماعی اسرّه نمائید.

دنباله از صفحه ۷

شاد باش به گذر هفتم ...

مناسبات اقتصادی و همکاری فنی با دولت اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی پشتیبانی میکند با قاطعیت تمام علیه استیلاي انحصارهای امپریالیستی و سیاست تشویق بدون قید و شرط جلب سرمایه از کشورهای امپریالیستی و نیز علیه ترور پلیسی و سیاست ضد دموکراتیک دولت مبارزه میکند. حزب ما بر آنست که ترقی اقتصادی و اجتماعی هرچه سریعتر کشوری چون ایران و جبران عقب افتادگی دیرینه آن بویژه در دوران انقلاب علمی و فنی از طریق استقرار و توسعه مناسبات سرمایه داری میسر است. بهمین سبب علیرغم تغییرات مثبتی که طی ده سال اخیر در زمینه برانداختن مناسبات تولید فئودالی و صنعتی شدن کشور روی داده است، هنوز فقر و بیسوادی و فشار سرنوشت مردم زحمتکش کشور ماست.

حزب ما بر آنست که استقرار مجدد آزادیهای مصرح در قانون اساسی کنونی ایران امکانات بسیار مساعدی برای عموم نیروهای ترقیخواه و دموکراتیک ایران فراهم میسازد تا برای اتخاذ راه رشد مستقل و دموکراتیک کشور - راه رشد غیر سرمایه داری - متفقاً بطور مؤثر مبارزه کنند.

رفقای عزیز، یکبار دیگر کامیابیهای هرچه بیشتر شما را در تکمیل سیستم اجتماعی گسترش یافته سوسیالیسم، در مبارزه برای وحدت جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری و یکپارچگی کشورهای سوسیالیستی در مبارزه علیه امپریالیسم، در راه صلح جهان و امنیت اروپا، در راه پیروزی اندیشه های فنا ناپذیر مارکسیسم - لنینیسم صمیمانه آرزو مندیم.